

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

کبیر توخی
۱۵ جنوری ۲۰۱۵

نورالحق علومی عضو اصلی KGB ،

یا خادم CIA ،

یا هر دو !؟



به تاریخ ۱۳ جنوری، نوشته ای از اندیشمند مبارز و رفیق گرانقدر **عزیز نعیمی** (که بافت های پیچیده قضایا و رگه های ناپیدای رخداد های غامض سیاسی را با دقت و موشکافی کم نظیری به بررسی می گیر) تحت عنوان «**از کوزه همان تراود که در اوست**» در همین پورتال نشر شد. از باز نویسی تمام جملات افشاء گر این نویسنده متبحر و شجاع در این جا منصرف شده فقط به همین بخش پایانی نوشته وی که نه تنها مورد تأیید این شکسته قلم بوده ؛ بلکه (یقیناً) تمام میهن دوستان و آزادیخواهان مبارز برصحت آن صحه خواهند گذاشت ؛ بسنده می نمایم :

« ... به روشنی دیده می شود که این کابینه هم چیزی بیشتر از کابینه جواسیس قبلی نیست و نمی تواند باشد ، زیرا در یک کشور اشغال شده و منقاد استعمار ، فقط افرادی برگزیده می شوند که نوکر استعمار و حافظ منافع آن باشند . در واقع از کوزه همان تراود که در اوست »

مطالعه این نوشته انگیزه ای شد تا سطری چند (در پیوند با آن) رقم زنم :

هر میهن پرست و هر خواننده ضد اشغال کشور توسط امپریالیزم جنایتگستر امریکا که خواهان معلومات در مورد بیوگرافی نورالحق علومی پرچمی و کریمی خلقی - این دو خاین به مردم افغانستان و جاسوس بلند مقام سوسیال امپریالیزم شوروی باشد(*) ، به ماشین عظیم معلوماتی گوگل مراجعه نموده نوشته های پرچمی و خلقی های میهن فروش در ستایش از این دو ، و نوشته قلم به دستانی را که در رابطه با جنایات و کشتار مردم توسط خلق و پرچم و خاد می نویسند ؛ مطالعه نمایند .

عجالتاً به جنرال علمی پرداخته علاوه می‌نمایم که پرچمی‌ها کمتر و یا اصلاً هیچ چیزی در مورد عضویت جنرال نورالحق علمی در باند «حزب دموکراتیک خلق» نمی‌نویسند .

جا دارد که برای شناخت بیشتر از این آدم کش حرفه‌ئی (جنرال علمی) به گذشته‌های نه چندان دوری نظر گذرا بیندازم :

شماری از جوانان شجاع و ضد طبقه حاکمه و استعمار که بعد ها از میان امواج توفنده و پرخروش «جریان دموکراتیک نوین افغانستان» (شعله جاوید) سر بلند کردند و نقشی از خود به جا گذاشتند ؛ [مانند «دین محمد محمودی» ، « بشیر بهمن» ، « لطیف محمودی» ، « شاهپور قریشی» ، « موسی جان» (معروف به « مامد») ؛ « شریف محمودی» ، «ابن قلم» و دیگر آتش نفسان] از جمله شاگردان دهه سی و اوایل دهه چهل لیسه عالی حبیبیه بودند . تعدادی از وابستگان طبقه حاکمه نیز در آن مکتب درس می‌خواندند ؛ مثل «محمود بریالی» و «توریالی» (برادران ببرک کارمل) ، «وکیل» (برادر ثریا پرلیکا خواهر زاده کارمل) ، «اسحاق توخی» ، «نورالحق علمی» (که از صنف نهم و یا دهم به حربی شونخی رفت) ، « یحیی» (مشهور به « بچه سامان برق فروش») « عبدالله» (معروف به « عبدالله قد دراز» « باشنده تقاطع « بوریا فروشی» و «چهار چته کابل») ، « غلام غوث صادقی» و برادرش (پسران غلام جیلانی خان و کیل التجار افغانی مقیم هند که زنده یاد غبار هم از ارتباطش با سلطنت در جلد دوم « افغانستان در مسیر تاریخ» یاد نموده و شماردیگر در مکتب حبیبیه بودند ؛ همچنان « قیوم» (بعد ها مستنطق - بازپرس - و شکنجه گر در خاد صدارت) ، نجیب الله (داکتر نجیب جلال خاد) هم در جمع اینها دیده می‌شد . متعلمین هوادار طیف چپ انقلابی یاد شده «هم صنفی» و «هم مکتبی» های خود را که وابسته به طبقه حاکم آن زمان بودند و از ببرک کارمل دفاع می‌کردند ؛ به درستی می‌شناختند . هواداران طیف چپ انقلابی بعد از فراغت از لیسه حبیبیه زمانی که نهاد های سیاسی عرض وجود نمودند و محصلان پوهنتون و متعلمان مکاتب دست به تظاهرات می‌زدند ؛ آن ها می‌فهمیدند که اینها : یعنی «قیوم صافی» ، « یحیی» (مشهور به بچه سامان برق فروش) ، نورالحق علمی ، نجیب (نجیب جلال خاد) و... در زمانی که متعلم لیسه عالی حبیبیه بودند ، برای « ضبط احوالات» شاه کار می‌کردند .

جنرال علمی این جنایتکار حرفه‌ئی که مرتکب قتل های بی شماری شده است و در رأس به اصطلاح « حزب متحد ملی» هم قرار دارد ، در مدتی که از جانب KGB گویا غرض « تحصیل» به امریکا فرستاده شده در آن کشور چه چیز را آموخت ؟ چه زد و بند های با وی صورت گرفت ؟ این نابکار و مزدور به دستور روسها قلاده اطلاعاتی سازمان CIA را به دور گردنش بست و یا مطابق منافع آتی اش سر اطاعت به دربار خدای جدیدش خم کرد ؟ علت تقررش را در این پست بسیار مهم امنیتی (که به دستور سفارت امریکا در کابل صورت گرفته) آینده محک خواهد زد .

این خاین ملی و آدمکش حرفه‌ئی زمانی که در شوروی غرض تحصیلات عالی نظامی فرستاده شد (۱۹۶۷ - ۱۹۶۹ مطابق سال های خورشیدی ۱۳۴۶ - ۱۳۴۸) کدام مضامین اطلاعاتی و جاسوسی شامل پروژه آموزشی وی بود ؟ زمانی که قومندان دافع هوای گارد جمهوری داوود خان در داخل ارگ ریاست جمهوری وی بود ؛ گذشته از آن که تمام رفت و آمد های وزیران کابینه و تمام افرادی دور و نزدیک به خانواده اش را (که اکثراً در زمان ظاهر شاه سفیر و کارمند سفارت های افغانستان درکشور های غربی به طور اخص بودند) و دید و وادید های رئیس جمهور با کسانی که خواهان ملاقات با داوود خان بودند را تحت نظر داشت و راپور آن را به سفارت شوروی در کابل تحویل می‌داد؛ در جریان کوتای ثور با تخریب سلاح های دافع هوای ارگ جمهوری در واقع یکی از قاتلان داوود و اعضای خانواده اش و یکی از عاملان جبارانه نوکران روس با پیامد های آن در افغانستان بود.

در تمام دوران حاکمیت اشغالگران روسی، این خاین به افغانستان و قاتل مردم آن، با اجرای وظیفه به حیث «والی قندهار» از هیچ کوششی جهت تحکیم پایه های استعمار روس دریغ نورزیده، خون فرزندان این وطن را در تمام ولایت جاری ساخت.

زمانی که داکتر نجیب جاسوس نازدانه شوروی به حزیش، به رفیق هایش، به «همرزمان» خادی اش به منافع بدارش (سوسیال امپریالیزم) پشت کرد و می خواست هرچه زودتر و بی سر و صدا تر با گنج دست داشته اش (که بخش آن را خانمش به هند انتقال داده بود) به غرب (بخوان به زیر بال عقاب سیاه امریکا) فرار نماید و اسرار جاسوسی روسها در منطقه و در افغانستان، همچنان اسمای کارمندان خاد خارجی و داخلی را به امپریالیزم در خارج از کشور بسپارد؛ همین جنرال نورالحق علومی چه نقشی را درممانعت از فرار وی ایفا نمود؟ (از لحاظ نظامی رشید دوستم دستور گرفت تا مانع فرارش گردد). در زد و بند های جنرال های «اردوی داکترنجیب» با «شورای نظار» - این کانون جواسیس شوروی - وظایفی را که روسها به وی سپرده بودند چه بود؟

در هر صورت حضور این نابکار چند بعدی و سایر اجنت های روسی، مانند عبدالله و...، در کابینه دولت «اشرف الجواسیس» نمایانگر این است که امپریالیزم رقیب (امپریالیزم روسیه فدراتیف) به هیچ وجه اجازه نمی دهد که امپریالیزم امریکا تمام اغذیه حاضر و آماده به روی دسترخوان خونین افغانستان را به تنهایی نوش جان (تناول) نماید.

تاریخ بی رحم و بی حوصله کشور اشغال شده ما در تکان های بعدی پاسخ این پرسش ها را خواهد داد.

پایدار باد هوشیاری خلق های آزادیخواه، دلیر و مبارز افغانستان!

(* - تمرکز روی افشای این دو خاین و جاسوس بدان معنا نیست که گویا بقیه اعضای کابینه مورد تأیید این قلم اند. چه آنها نیز دست شان به خیانت و جنایت و وابستگی سیاسی و اطلاعاتی به امپریالیزم و ارتجاع آلوده بوده، در زمانش بدانها نیز خواهم پرداخت.
ک.ت.